

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

جمعی از کمونیست های انقلابی – ایران
۱۹ اکتوبر ۲۰۲۴

جنایت هولناک مزدوران جمهوری اسلامی علیه پناهجویان افغانستان محکوم است

جمهوری اسلامی مرتکب جنایت هولناک دیگری علیه پناهجویان افغانستان شده است. طبق برخی گزارشات رسیده مزدوران جمهوری اسلامی مستقر در مرزهای ایران و پاکستان در مرز کلگان سراوان با تیراندازی و شلیک آر پی جی به ۳۰۰ نفر از پناهجویان افغانستان تعدادی از آنان را به قتل رسانده است. تعداد دقیق کشته شدگان به علت گزارشات گوناگون مشخص نیست اگر چه حداقل دهها نفر آنها توسط مزدوران جمهوری اسلامی به قتل رسیده اند و دهها نفر دیگر مجروح شده اند. مقامات جمهوری اسلامی طبق معمول تیراندازی و کشته شدن پناهجویان را انکار کرده است. تعدادی از نهادهای حقوق بشری خواستار تحقیق شده اند و طالبان دست به کار چنین تحقیقی شده است. اما اگر طالبان نگران جان مردم و جوانان افغانستان بود دسته دسته مجبور به گریختن از آن شرایط نابسامان و این راه های پرمخاطره از زیر گلوله های جمهوری اسلامی ایران نمی شدند. مسلماً گزارش تحقیق طالبان قابل اتکاء نخواهد بود و بستگی به بند و بست هائی دارد که ممکن است با جمهوری اسلامی و یا رقبایان جمهوری اسلامی در منطقه داشته باشند و طبق معمول جان و کرامت انسان ها را به معامله خواهند گذارد.

این پناهجویان جوان و نوجوان به این جرم مورد قساوت و بیرحمی قرار گرفتند که تلاش داشتند از حکومت ظالمانه و مستبد و بنیادگرای طالبان گریخته و به کشور همسایه و همزبان خود پناه آورند و اگر می توانستند از مرز عبور کنند و شغل پر مشقت و سختی برای خود می یافتند آنگاه در کنار تهمت ها و تحقیرهای روزمره، شاید می توانستند موقتاً مکانی برای زندگی بیابند و در کنار اذیت و آزارهای روزمره نیروهای انتظامی جمهوری اسلامی، لقمه نانی برای خود و خانواده شان به دست آورند.

اما غافل از این که یک طالبان دیگر در این سوی مرزها انتظار آنها را می کشید و برای آنها کمین گذارده بود تا نهایت سبعبیت و وحشی گری خود را با این جنایت به نمایش بگذارد.

بیش از یک سال است که جمهوری اسلامی کارزار ضد افغان - ستیزی را با همکاری مرتجعین دست راستی آریائی چی شدت بخشیده است و در این مدت تلاش داشته تا فضای جامعه را با شونیسیم مشمئز کننده و نژادپرستی مسموم کنند. اما کشتار در مرز سراوان اوج وحشیگری و سبعبیت جمهوری اسلامی در دشمنی با پناهجویان افغانستان را به نمایش گذارد تا کارزار افغان ستیزی خود را کیفیتاً شدت بخشند.

اذیت و آزارهای جمهوری اسلامی و مزدورانش چه در لباس سپاهی و یا نیروی انتظامی و مرزبان و مأمور وزارت کشور و... علیه پناهجویان افغانستان تاریخچه طولانی دارد. جمهوری اسلامی در عین این که کارگران افغانستان را به سخت ترین و پر مشقت ترین کارها با دستمزدهای ناچیز و ارزان به کارگماشته است و همواره به نیروی کار ارزان آنان محتاج بوده است اما برای ارزانتر کردن آن همیشه چماق اخراج را بالای سر آنها نگاه داشته است. هر روزه و به خصوص از زمان قدرت گیری دوباره طالبان تا چند هزار نفر از پناهجویان و مهاجران افغانستان را با تهمت و تحقیر و در همسویی با طالبان اخراج می کند. خانواده ها را از هم جدا می کند، و یا دستمزدهایشان را به سرقت می برد.

همچنین بارها مهاجران افغانستان قربانی جنایات و بی رحمی های مزدوران جمهوری اسلامی شده اند. در یکی از این موارد که سه سال پیش اشتهاء شد، مرزبانان جمهوری اسلامی در یک پاسگاه مرزی پس از اذیت و آزار و تحقیر و بیگاری کشیدن از دهها پناهجوی افغانستان آنها را لخت کرده و در آبها مرزی انداختند که تنها چند تن از آنها قادر شدند جان سالم به در برند و خود را از طریق آب به آن سوی مرز برسانند. در فاصله کوتاهی از آن مزدوران انتظامی در یزد به خودرو حامل پناهجویان به گونه ای شلیک کردند که خود رو آتش گرفت و تعدادی از پناهجویان در آتش سوختند و آنها را در حالی که می سوختند رها کردند. هم چنین تعداد نا روشنی از پناهجویان افغانستان در مرزهای ایران با افغانستان و یا ایران با ترکیه در اثر تیراندازی مرزبانان جمهوری اسلامی و ترکیه به قتل رسیده اند.

مهاجران افغان ساکن ایران درسال های گذشته و به ویژه در یک سال گذشته با انواع و اقسام محدودیت های تبعیض گرانه و نژادپرستانه مؤسسات و نهادهای جمهوری اسلامی علیه خود روبه رو بوده اند. کارگران افغانستان علی رغم شغل های پرمخاطره از هیچ گونه امکان درمانی و بیمه برخوردار نبوده و نیستند و برای باز کردن حساب بانکی با مشکل روبه رو می باشند. از داشتن کارت بانکی و شماره تلفون همراه محروم اند. علاوه بر آن در سال تحصیلی جاری مهاجران افغانستان یا نتوانستند نام فرزندان خود را برای مدارس ثبت نام کنند و یا برای آنها هزاران بهانه تراشیده اند تا آنها را دست به سر کنند. حتی کار به جایی کشید که برخی نانوائی ها بر سر درشان نوشتند که از فروش نان به "اتباع خارجی" که منظور همان مهاجران افغانستان هستند "معذوریم". بسیاری از مسؤلان استانها و شهرستانها با عبارات نژادپرستانه ضد افغان در شبکه های اجتماعی آتش مهاجر ستیزی را شعله ورتر ساختند. شدت و حدت این نوع تبعیضات به صورت علنی و وقیحانه نشانه ای روشن از آن است که کارزار افغان - ستیزی کیفیتاً شدت یافته است و نشان دهنده آن است که دست بالاترین مقامات جمهوری اسلامی در میان است تا زمینه را برای کشتار و قتل عام اخیر و یا نمونه های آن آماده کنند.

اگر چه تعداد مهاجران افغانستان بعد از به قدرت رسیدن طالبان به مراتب افزایش یافته است، اما این افزایش برای طبقه حاکمه و قدرت حاکمه علاوه بر آن که بهانه ای شده تا با نهایت بی شرمی اقسام بیمارهای سیستم استثماری شان مانند بیکاری، کمبود مواد غذایی، بالارفتن کرایه خانه، کمبود جا و مسکن و فساد ناشی از آن سیستم را توجیه می کنند، بلکه با شایعات و یا حتی مدارک جعلی و قلابی انواع و اقسام جرم و جنایات را نیز به گردن آنها ببندازند. اما همه می دانند که طبقه حاکمه و مقامات جمهوری اسلامی دروغگویان و فریبکارانی بیش نیستند. چرا که این جمعیت زیاد برای آنها نیروی کار ارزانی فراهم می کند که سودش بیش از همه به جیب این طبقه استثماری و دیگر انگل های جامعه می رسد. به همین دلیل تلاش می کنند که با ایجاد تفرقه و نفاق میان زحمتکشان آن را در خدمت بقاء و ادامه حکومت ننگین خود به کار برند. اما مردم زحمتکش جامعه که در کنار هم به کار و زحمت و گرداندن چرخ اقتصاد جامعه مشغولند در کنار هم استثماری می شوند و مورد ستم قرار می گیرند به حمایت و همبستگی همدیگر نیاز دارند. اتحاد

طبقات و مردم زحمتکش از هر ملیت و جنسیت و نژادی که باشند در کنار هم و در اتحاد با هم قدرت بیشتری می یابند و می توانند برای انقلاب و مبارزه در راه جامعه ای بدون ستم و استثمار مبارزه کنند.

نمی توان این شدت یابی کیفی کارزار مهاجر ستیزی از طرف جمهوری اسلامی را بی رابطه با شرایط نوین داخلی و بین المللی ارزیابی کرد.

از لحاظ داخلی، جمهوری اسلامی به خصوص با تجربه خیزش زن زندگی آزادی (ژینا) که ضربات محکمی را متحمل شد، دریافته است که ایجاد نفاق و تفرقه در کل جامعه موضوع مهم و ضروری برای ادامه قدرتش می باشد. با به راه انداختن کارزار ضد افغانها هم توانست اپوزیسیون مرتجع سلطنت طلب و دیگر مرتجعین راست را حداقل در این مورد با خود همراه کند، توجهات را به سمت و علیه زحمتکشان افغانستان منحرف کند و هم در میان توده های زحمتکش به تفرقه و نفاق دامن زند و در میان جامعه مهاجران فضای ناامنی، ترس و وحشت را ایجاد کند.

از طرف دیگر جمهوری اسلامی با توجه به شرایط نوین بین المللی و به خصوص منطقه ای که خود نیز نقشی در آن دارد، احتیاج دارد که گروهی را از میان مردم نشانه کند و با بیگانه کردنشان، آنها را به مثابه نقطه تمرکز بدی ها و شر های جامعه معرفی کند. کاری که همیشه مورد نیاز طبقات حاکمه در جنگ هایشان با کشورهای خارجی بوده است. نمونه بارز آنها برگزیدن یهودیان در المان نازی و یا فلسطینیان برای صهیونیست ها، سیاه پوستان برای ایالات متحده در دوران تحول برده داری به سرمایه داری امپریالیستی و در شرایط کنونی مهاجران افریقائی، آسیائی و امریکائی لاتین برای کشورهای امریکائی شمالی و اروپائی که با گسترده شدن ابعاد مهاجران در دوران گلوبالیزاسیون اقتصادی و شدت گرفتن جنگ های منطقه ای، زمینه های مساعدی برای این سیاست های ضد بشری فراهم کرده است.

این نیرنگ طبقات حاکمه است که برای ایجاد زمینه چنین سیاستی به شایعه پراکنی و خبر سازی های دروغ در مورد جرم و جنایت گروه های "شر" می پردازند. هم چنین جمهوری اسلامی سابقه طولانی در چنین جرم سازی های قلابی دارد از قضیه "خفاش شب" گرفته تا "تجاوزها و جنایت هائی" که به مهاجران افغانستان نسبت داده و بسیاری از این موارد دروغ و بی پایه از آب درآمدند. اگر چه باید به این مسأله نیز اشاره کرد که در هر جامعه ای به ویژه در جوامع طبقاتی که استثمار و شکاف طبقاتی بیداد می کند، جرم و جنایت بخش جدائی ناپذیر آنست. اگر چه جنایات و فساد طبقات بالا به حداکثر درخفا نگاه داشته می شود مگر در شرایط خاص. در نتیجه هنگامی که ۵ تا ۶ میلیون نفر مهاجر و پناهجوی افغان عمدتاً جوان و نوجوان در ایران وجود داشته باشند، به صورت معمول باید در حدود ۱۰٪ جرم و جنایات در میان این گروه باشد. اگر چه حتی به گفته خود مقامات جمهوری اسلامی، آمارها حاکی از این است که نسبت جرم و جنایت در میان جامعه مهاجران کمتر از جرم و جنایت در کل جامعه است.

در چنین شرایطی که پناهجویان افغانستان در شرایط سخت و غیر قابل تحملی قرار دارند سکوت در مقابل این جنایت روزمره علیه پناهجویان و مهاجران افغان تنها به نفع جمهوری اسلامی، سلطنت طلبان و دیگر نژادپرستان دست راستی خواهد بود.

نیروهای انقلابی و کمونیستی نه تنها وظیفه دارند که در مقابل جنایات روزمره علیه این زحمتکشان و ستمدیدگان افغانستان که گروه بزرگی از آنان بخش جدائی ناپذیر از طبقه کارگر ایران هستند، سکوت نکنند بلکه به دفاع از آنان برخیزند و هر گونه اذیت و آزار، تهمت و تحقیر آنان را بشدت محکوم کنند و آن را به فرصتی برای بالا بردن وحدت و همکاری زحمتکشان و کارگران و ایجاد و گسترش روحیه انترناسیونالیستی مبدل کنند. این تنها سیاست صحیح مبارزاتی در خدمت به کارگران، زحمتکشان و همه ستمدیدگان و منافع آنان در مسیر انقلاب واقعی خواهد بود.

جمعی از کمونیست های انقلابی - ایران/۲۷ مهر-میزان-۱۴۰۳